

انقلاب اسلامی ایران، ظهور ژئوپلیتیک شیعه، تغییر موازنه قدرت

دیان جانباز^۱

محسن رحمانی^۲

کاظم عالی بیگی^۳

چکیده

ژئوپلیتیکی شدن تشیع پس از انقلاب اسلامی و در پی آن، گسترش نقش و عملکرد ایران در روابط بین الملل خاورمیانه، تشیع به یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار دنیای ژئوپلیتیک تبدیل شد. تشکیل یک حکومت شیعی با رهبری علمای دینی در کشوری بزرگ و با اکثریت شیعه، هرگز در گذشته روی نداده بود. به این ترتیب، انقلاب ایران کانون توجه‌ای برای زنده کردن و رواج هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و موجب ظهور دولت‌ها و جنبش‌های شیعی در منطقه خاورمیانه گردید که در پی آن موازنه قدرت در این منطقه را دگرگون یا به عبارتی متحول ساخت که نتیجه آن افزایش قدرت و نفوذ شیعیان در تحولات منطقه است. براین اساس تبیین این تحولات در چارچوب ژئوپلیتیک شیعه، موضوع مورد بحث این مقاله است.

واژه‌گان کلیدی: انقلاب اسلامی، تشیع، ژئوپلیتیک، موازنه قدرت.

۱- دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای ایران دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

mohsen4013@gmail.com

۳- دانشجوی دکتر مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴

مقدمه

ژئوپلیتیک، در دیدگاه اندیشمندان علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی، همواره از مفاهیم ناپایدار و رو به تحولی به شمار می‌رود که به واسطه‌ی آن موقعیت ژئوپلیتیک متحول کشورها در سطوح مختلف نظام بین‌المللی، جهانی و منطقه‌ای مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد. امروزه، از نظر موقعیت ژئوپلیتیک جهانی، اگر نظام جهانی یک پیکر واحد در نظر گرفته شود، جمهوری اسلامی ایران، قلب این پیکره‌ی جهانی محسوب می‌شود. وقوع انقلاب اسلامی در دوره‌ی ما رویکرد جدیدی از رابطه‌ی مفهومی تشیع و ایران را شکل داد، انقلاب ایران از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی همچون انقلاب‌های دیگر، راه را برای دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی کلان باز کرد (Brier and Calvert, 1982: 11).

به‌واقع، در اثر این رخداد‌های متعدد و پس‌از آن بود که تشیع به یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار دنیای ژئوپلیتیک تبدیل شد به‌طوری‌که با انقلاب اسلامی، پتانسیل نهفته در مذهب تشیع شکوفا شد و این مذهب در کشور بزرگی مثل ایران به قدرت سیاسی دست‌یافت، کشوری که از یک‌سو به دلیل موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی و ژئوپلیتیک در آسیای جنوب غربی و نیز داشتن ذخایر عظیم انرژی فسیلی در منطقه‌ی خلیج فارس و دریای خزر، دنیا به آن چشم دوخته است (نوال، ۱۳۸۲: ۵۶). از سوی دیگر، انقلاب در کشوری رخ داده بود که با اکثریت ۹۰ درصدی جمعیت شیعه و در بر گرفتن کمابیش ۴۰ درصد از شیعیان جهان، کانون قلمروهای شیعی به شمار می‌رود و بنابراین تأثیرات زیادی را در خارج از مرزها، به‌ویژه در میان گروه‌ها و جوامع شیعه‌مذهب از خود به‌جا گذاشت (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). علاوه به این موارد موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه‌ی خاورمیانه، به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است، زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای

منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه‌ی مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارت لند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه‌ی بیضی‌شکل انرژی استراتژیک، قراردادده است؛ به طوری که هرگونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خاورمیانه را برهم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد.

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع موردبررسی، روش تحقیق به کاررفته، توصیفی تحلیلی می‌باشد که در آن سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای برای استدلال‌های پژوهش، دنبال توجیه قانع‌کننده باشیم.

مبانی نظری

در تعریفی کامل، ژئوپلیتیک علم مطالعه‌ی روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷)، و توجه عمده‌ی ژئوپلیتیک به رقابت میان قدرت‌های سیاسی و اشکال دگرگون شونده‌ی سلسله‌مراتب قدرت در جهان است؛ سلسله‌مراتبی که دستاورد بازی‌های سیاسی، منطقه‌ای یا جهانی میان قدرت‌ها است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۹). اما پرسش اساسی این است که چگونه رویکرد فرهنگی و مذهبی می‌تواند از ماهیت و مولفه‌های ژئوپلیتیکی برخوردار گردد؟ و همچنین این روی کر چگونه می‌تواند نظام قدرت را در عرصه منطقه‌ای و جهانی تغییر دهد یا متحول کند؟ برای روشن شدن این موضوع باید این نکته را در نظر داشت که به اعتقاد کارشناسان مربوطه، ژئوپلیتیک ابعاد و جنبه‌های متعددی دارد، به‌ویژه ابعاد این مفهوم از

دید سیاسی، نظامی، اقتصادی و نیز، فرهنگی اهمیت دارد. بعد فرهنگی ژئوپلیتیک یا "ژئوکالچر" که خود جنبه‌های متعددی از جمله مذهب را شامل می‌شود، با توجه به نقش مهمی که در سیاست و زندگی بشر دارد، به‌عنوان یکی از مباحث مهم ژئوپلیتیک مطرح و مورد توجه است. (همان: ۱۳۰) بنابراین ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی و مذهبی را می‌توان دیدگاهی از مبحث گسترده‌ی ژئوپلیتیک به شمار آورد که از جنبه‌ی ماهیت، مفهوم رقابت را در ذهن متبادر می‌کند. نقش‌آفرینی مذهب در سیاست و پیوند خوردن آن با مفهوم قدرت، تنها امری مربوط به زمان حال و مذهب شیعه نیست درحالی‌که گلاسنر نیز به نقش مذهب در پدیده‌های سیاسی اشاره می‌کند و برخی از موارد آن را برمی‌شمارد: ظهور ایرلند به دلیل وجود دو مذهب کاتولیک و پروتستان، سوریه به سبب وجود مسلمانان و مسیحیان، هند به دلیل وجود دو مذهب اسلام و هندو، فلسطین به واسطه‌ی وجود یهودیان و مسلمانان، نمونه‌هایی هستند که نقش‌آفرینی مذهب در آن‌ها نمایان است، از سوی دیگر اهمیت عامل دین و مذهب در برخی از مناطق مذکور به‌اندازه‌ای بود که موجب تجزیه‌ی همه‌جانبه و از بین رفتن اتحاد ملی شد. برای نمونه تجزیه‌ی شبه‌قاره‌ی هند به دو کشور پاکستان و هند تنها در اثر اختلاف بین مسلمانان و هندوها در سال ۱۹۴۷ م روی داد (سیف زاده، ۱۳۷۲: ۱۷۹).

در گذشته، ژئوپلیتیک ایران نیز به سبب عواملی، مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی، مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدین آمریکا و غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرارداد. از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). یکی از مهم‌ترین این موارد، عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک و در رأس آن ژئوپلیتیک اسلامی شیعی هست. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلامی و در قلب جهان تشیع، واقع شده است بنابراین جمهوری اسلامی ایران از سه بعد ژئوپلیتیک انرژی و فرهنگی ایدئولوژیک

ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی تشکیل‌دهنده‌ی نظم بین‌المللی بوده است.

انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران به دلیل جاذبت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی یک مکتب ایدئولوژیک دیگر مخالف با ایدئولوژی مادی‌گرایی غرب را به موازات ایدئولوژی فرسوده‌ی کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی در مقابل ابرقدرت‌های غربی قرارداد که با دارا بودن زمینه‌های فرهنگی قوی در ملل مسلمان جهان و منطقه‌ی حساس خاورمیانه و برخورداری از ارزش‌های ناب اسلامی، مبارزه‌طلبی خود را با ارزش‌های مادی غرب اعلام نمود. صدور انقلاب اسلامی، بنیادی‌ترین استراتژی ژئوپلیتیکی بعد از انقلاب بوده و هست که منجر به برانگیختن حساسیت‌های زیادی بین کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی شده است. محتوا و اصول این استراتژی را می‌توان در بیانات اوایل انقلاب حضرت امام خمینی (ره) یافت: ما انقلاب مان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳۸). تجدید حیات جوامع اسلامی و رشد روزافزون معنویت و بیداری ملت‌های تحت ستم در سایه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا ماشین جنگ روانی غرب با تمام قدرت و توان خویش پروسه‌ی مخدوش‌سازی چهره‌ی انقلاب اسلامی را با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به کار بندد تا در ارزش‌های اسلامی و امکان اجرای آن‌ها در قرن بیستم شک و تردید ایجاد کند. که یکی از توطئه‌های استعماری آنان تحریف و وارونه جلوه دادن صدور انقلاب بود به گونه‌ای که هدف از صدور انقلاب را که دعوت

به اسلام بود به معنای تجاوز به سرزمین دیگران و جنگ و زورگیری معرفی کردند. حضرت امام خمینی(ره) در مقام تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب اسلامی تصریح می‌کند: ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچون چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آن که ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله‌ی دستگاه‌هایی که داریم به وسیله‌ی همین صداوسیما به وسیله‌ی مطبوعات به وسیله‌ی گروه‌هایی که به خارج می‌روند اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود مورد قبول همه خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶۰-۶۱).

انقلاب اسلامی ایران و ظهور جنبش‌های شیعی در منطقه خاورمیانه

انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرك سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی نیز نقش داشته است. چنین تأثیری با مروری بر پرونده سیاسی جنبش‌های اسلامی دهه‌های اخیر به روشنی دیده می‌شود. درحالی که وقوع انقلاب اسلامی ایران به خودی خود در منطقه خاورمیانه زمینه‌ساز بی‌ثباتی‌های داخلی بسیاری از کشورها نظیر عربستان سعودی و عراق که به‌عنوان کشورهای باثبات منطقه شناخته می‌شدند گردید. هرچند ایران در تنش‌های داخلی کشورهای مداخله مستقیم نداشته اما واضح بود که انقلاب اسلامی ایران تأثیر خود را گذاشته است. بنابراین به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک فضای رو به گسترش اصولگرایی اسلامی در سراسر جهان درحالی که اتفاق بود، بازتاب انقلاب اسلامی در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای عربی آشکار است به طوری که: لبنان بیش از هر کشوری تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته، جنبش‌های شیعی "امل"، "امل اسلامی" و "حزب الله" و گروه سنی "جنبش توحید اسلامی" تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی پدید آمده و فعال گردیدند. فعالیت "حزب الدعوه اسلامی" در عراق که از حمایت آیت‌الله سید محمدباقر صدر برخوردار بود در اثر وقوع انقلاب اسلامی شدت گرفت و علاوه بر این

در سال ۱۳۶۱ مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق باهدف مبارزه با حکومت صدام حسین پدید آمد و نقش انقلاب اسلامی در این امر آشکار بود.

در عربستان سعودی وقوع انقلاب اسلامی انگیزه خوبی به اخوان المسلمین داد تا به رژیم سعودی حمله کنند. به طوری که آن‌ها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحت رهبری جهان العتیبی مسجد الحرام را اشغال کردند. مورد دیگر در عربستان "سازمان انقلاب اسلامی در شبه جزیره عربستان" که گروهی شیعه بود و رهبری حوادث عاشورای ۱۹۷۹ را داستان طیف عربستان را بر عهده داشت نیز تحت تأثیر انقلاب اسلامی رشد نمود.

جبهه اسلامی برای آزادی بحرین نیز به گفته حکومت بحرین یک کودتای نافرجام دست زد و در کویت یک جنبش اسلامی از جمله گروه "حزب الله کویت" به جود آمدند. در کشورهای قطر و امارات عربی حرکت‌های به شکل اعتراضات اجتماعی نمود پیدا کرد. در مصر توسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه گسترش یافت که نمونه آن در ترور انور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ توسط "سازمان جهاد" بود. "جنبش اخوان المسلمین" مصر نیز در دوره انور سادات به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخت.

در الجزایر "جبهه نجات اسلامی" در تونس "جنبش گرایش اسلامی" پدید آمدند. در مراکش نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی حرکت‌های اسلامی رشد کرد.

در سوریه و فلسطینی‌های نیز شاهد الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران بوده‌ایم. در سوریه "اخوان المسلمین" فعالیت خود را گسترش داد. در فلسطین نیز گروه‌های "جهاد اسلامی" "سازمان مقاومت اسلامی" "حماس" حضور دارند که هر دو در سال ۱۹۸۰ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام موجودیت کردند (ملکوتیان، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲)

انقلاب اسلامی به‌غیر از کشورهای عربی در مناطق دیگر چون آسیای جنوبی، مرکزی، قفقاز و ترکیه نیز بازتاب داشته است؛ در افغانستان حضور مجاهدین افغانی، در پاکستان "نهضت اجرای فقه جعفری"، در کشمیر که به ایران صغیر نیز شهره است، در تاجیکستان و ازبکستان، در قفقاز (چچون، اوستیای شمالی، بالکاریا، داغستان)، در جمهوری آذربایجان،

در ترکیه، که با پیروزی حرکت‌های اسلامی همراه بوده‌اند. البته در مناطق آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا و آفریقا نیز حرکت‌های اسلامی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و درحالی که شکل‌گیری است.

دلایل تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی منطقه از انقلاب اسلامی

دلیل یا دلایل تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی منطقه از انقلاب اسلامی را می‌توان این‌گونه برشمرد: تأثیر حضرت امام خمینی (ره) بر مسلمانان از جنبه دینی و اسلامی کم‌نظیر است. در واقع، از قرن پانزدهم در دنیای غرب و شاید کمی پس از صدر اسلام، شخصیتی را نمی‌بینیم که به این اندازه نهضت، افکار و عملکرد و راهبردهایش در سطح جهان اعم از جهان غرب (لیبرالیسم)، (جهان شرق کمونیسم) و جهان اسلام تأثیر گذاشته باشد. تغییر مفهوم قدرت، به‌گونه‌ای که معنای قدرت پیش از آن بر منابع مادی تکیه داشت، ولی پس از انقلاب اسلامی ایران معنا و تعریف قدرت، از تکیه بر منابع ملموس (مادی) به غیرملموس (معنوی) همچون عقاید، پرورش افکار و اطلاع‌رسانی تغییر یافت.

- از بین رفتن فواصل طبقاتی و به عبارتی برای بودن همه انسان‌ها

- احیای جایگاه‌های اجتماعی مرد و زن

- ساختار شکنی نظام قدرت

- ارائه الگوی جدید جهانی

- رهایی از استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

- استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...

- حاکم شدن احکام و اصول و تعالیم اسلامی در حکومت

ظهور ژئوپلیتیک شیعه و تغییر موازنه قدرت در منطقه خاورمیانه

قبل از ورود به بحث در این بخش ابتدا بر خود فرض می‌دانم که واژه ژئوپلیتیک را تعریف نمایم. علم ژئوپلیتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست

می‌پردازد و به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک به معنای نقاب قدرت با یک سرزمین و انسان‌هایی که در آن سکونت دارند است (صحفی، ۱۳۸۰: ۴۱) با این تعریف می‌توان گفت که ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه با هارتلند ایران است. مارتین کرامر، محقق اسلام‌ستیز آمریکایی در کتاب *تشیع، مقاومت و انقلاب*؛ به طور ضمنی در مورد اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه می‌نویسد: "در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی امروزه استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است..... کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را دربرمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، یمن، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد (مجموعه مقالات، ۱۹۸۴م: ۳۶). انقلاب اسلامی ایران بعد از پیروزی و تعیین و تبیین سیاست خارجی و خط‌مشی خود به حمایت از ملت‌ها و گروه‌های ستم دیده در برابر استکبار به‌ویژه کشورها و گروه‌هایی که از جمعیت شیعه برخوردار بودند پرداخت. که اکنون هر کدام از آنان به‌عنوان یکی از متحدان استراتژیک ایران محسوب می‌شوند و منجر به افزایش نفوذ منطقه‌ای کشورمان در منطقه خاورمیانه شدند و قدرت چانه‌زنی و موازنه قدرت را به سود ایران فراهم می‌کنند، به طوری که امروزه از فلسطین گرفته تا یمن و آسیای مرکزی و قفقاز حل معادلات منطقه‌ای بدون حضور ایران کاری نافرجام است. حال نگارنده به چند مورد برای روشن شدن موضوع اشاره می‌کند.

سوریه

سوریه تنها کشوری است در میان کشورهای عربی خاورمیانه که نقش نسبتاً مستقل‌تری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نموده است. نقش‌آفرینی سوریه در معادلات سیاسی

لبنان و درگیری این کشور با اسرائیل از جمله مواردی است که از لحاظ راهبردی سوریه را مهم جلوه می‌دهد. نکتهٔ دیگر آن که سوریه جزئی از جریان مقاومت در کنار ایران و حزب‌الله و حماس در مقابله با اسرائیل به حساب می‌آید (رحمانی، ۱۳۹۳: ۷۵). به منظور درک بهتر نقش سوریه در این منطقه باید به اتحاد استراتژیک سوریه با ایران و نقش نیابتی آن در منطقه تمرکز کرد. سوریه به عنوان ایجادکننده ارتباط با حزب‌الله و به عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می‌رود و از سوی دیگر با تمایل بیشتر این کشور به ایران به لحاظ سیاست‌های منطقه‌ای جهان عرب، منجر به نفوذ ایران در منطقه شده است که این امر خوشایند برخی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای نیست (EI-Hokayem, 2007: 42). جمهوری اسلامی ایران بارها رسماً اعلام کرد که از حزب‌الله حمایت نموده است. حمایت‌های جمهوری اسلامی از حماس در حملات اسرائیل به غزه و تلاش این گروه در بازپس‌گیری سرزمین اشغالی فلسطین نیز قابل تأمل است. مطمئناً تحلیل چگونگی کمک‌های ایران به حزب‌الله و حماس بدون در نظر گرفتن نقش سوریه بسیار مشکل است (Nerguizian, 2012: 84). جمهوری اسلامی معتقد است که هرگونه مذاکره و توافقی در صحنه بین‌المللی در رابطه با آینده سوریه بدون در نظر گرفتن نقش ایران عبث و بیهوده است کما اینکه در سال‌های اخیر شاهد انجام مذاکراتی برای سرنوشت سوریه بدون حضور ایران بودیم که هیچ‌کدام به نتیجه مطلوبی نرسیده است. این واقعیتی است که فرستادگان ویژه سازمان ملل نیز (کوفی عنان و اخضر ابراهیمی) و اخیر دولت‌های غربی به آن اذعان داشته‌اند؛ که دست برتر ایران در منطقه را آشکار می‌کند.

لبنان

کشور لبنان که به عنوان بازیگری منفعل و نفوذپذیر شناخته می‌شود که طی دوران گذشته عرصه رقابت و منازعه کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. لبنان به دلیل هم‌جواری با سوریه و فلسطین همواره خواستگاه تحولات فراوانی بوده است مهم‌ترین رویدادی که می‌توان در آن نقش برجسته ایران را مشاهده کرد جنگ ۳۳ روزه

لبنان است، جنگی که بین حزب‌الله و اسرائیل که در ژوئیه ۲۰۰۶ رخ داد. آنچه طی سی و سه روز میان رژیم صهیونیستی و لبنان اتفاق افتاد یک درگیری ساده نبود، جنگ بود؛ جنگی در ابعاد وسیع منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای که به دنبال خود واکنش‌ها، مواضع و نتایج گسترده‌ای را به همراه داشت (رحمانی، ۱۳۹۳: ۷۹). با پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه با اسرائیل موجب نگرانی برخی از کشورهای منطقه از افزایش شیعیان در منطقه شد. در این میان انتشار اخباری مبنی بر شیعه شدن بسیاری از مردم سوریه بعد از جنگ ۳۳ روزه، برایی جشن در کویت، بحرین و شرق عربستان به مناسبت پیروزی حزب‌الله موجی از نگرانی و ترس را بر حاکمان این کشورها حاکم کرد. ایران نیز در چارچوب حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک از حزب‌الله و لبنان در تلاش بود با رایزنی کشورهای مهم منطقه نظیر مصر، عربستان و ترکیه مانع از بهره‌برداری مخالفان و منتقدان خارجی حزب‌الله از وضعیت موجود در حوزه مذاکرات مربوط به آتش‌بس و نحوه اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شود (انوشه، ۱۳۸۷: ۱۴۸). دولت ایران همواره مساعدت‌های مالی و اقتصادی به لبنان و شیعیان این منطقه داشته است. جمهوری اسلامی ایران سه نوع پشتیبانی از حزب‌الله به عمل آورده است که عبارت‌اند از: سیاسی معنوی، نظامی آموزشی و مالی (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۳۸). این پشتیبانی‌ها آن‌قدر حائز اهمیت بود که رهبران حزب‌الله معتقدند که اگر کمک‌های ایران نبود، حزب‌الله به زمان خیلی طولانی‌تری نیاز داشت تا به دستاوردهای فعلی برسد. دولت ایران بر اساس اصول سیاست خارجی خود در جهت حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش از جمله حزب‌الله را مدنظر قرارداد است و توانسته به‌خوبی از این فرصت درمقابل تهدیدات منطقه‌ای مقابله نماید. حزب‌الله همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، یعنی تکیه‌بر توانایی‌های خود به‌منظور سرکوب دشمن؛ از این رو جمهوری اسلامی ایران باقابلیت حزب‌الله عمق استراتژیکی خود در حوزه شامات افزایش داده است.

عراق

عراق پیش از اشغال، دشمن ایدئولوژیک ایران شمرده می‌شد؛ زیرا ایدئولوژی سکولار بعثی با جمهوری اسلامی همخوانی نداشت و مانع بزرگی برای آنچه ترویج ایدئولوژی انقلابی شیعیان قلمداد می‌شد. اما تهاجم نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ تأثیر بسیاری بر منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل داشت به طوری که نظم گذشته عراق فروریخت (رحمانی، ۱۳۹۳: ۸۶) و زمینه را برای نقش‌آفرینی شیعیان فراهم کرد، در این میان جمهوری اسلامی ایران بود که اولین بار عراق جدید را مورد شناسایی قرارداد. در انتخابات ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ در عراق و پیروزی شیعیان که در آن لیست «ائتلاف شیعه» که اکثر چهره‌های نزدیک به ایران در آن حضور داشتند به پیروزی رسید و برقراری روابط با ایران با استقبال گسترده‌ای مواجه شد (آیتی، ۱۳۸۶: ۴۵)، زیرا در یک‌طرف کشور ایران باثبات، مردمی و قوی شیعی قرار داشت و در طرف دیگر یک عراق جدید کثرت‌گرای دموکراتیک و دوست، وارد عرصه سیاست و حکومت در خاورمیانه گردید. رسمیت شناختن شیعیان در رأس قدرت عراق سرآغاز نفوذ ایران در منطقه تلقی می‌شد که این موضوع خشم کشورهای عربی به خصوص عربستان را برانگیخت. براین اساس جمهوری اسلامی ایران و عراق به‌عنوان دو همسایه و متحد استراتژیک شناخته می‌شوند که در تحولات منطقه‌ای دارای نقطه نظرات مشترکی هستند.

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیک کشورها همواره از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در سرنوشت ملت‌های آنها بوده است. با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی که متکی بر آرمان‌ها و ارزش‌های والا و نهادینه‌ی ملت ایران بود، موقعیت ژئوپلیتیک ایران در صحنه‌ی جهانی به‌طور کامل دگرگون گردید و از نقش بازیگر پیرامونی به نقش سردمداری یک مکتب فکری که اسلام و دین‌باوری بود، ارتقاء یافت که با ترکیب عوامل فرهنگی و اعتقادی، دسترسی به

منابع عظیم انرژی و موقعیت حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، موقعیت ممتازی را برای ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه فراهم یافت که با توجه به حساسیت غرب و برخی کشورهای خاورمیانه نسبت به این منطقه، همواره به صورت شمشیری دو لبه‌ای برای امنیت ایران عمل می‌کند. آموزه‌های انقلابی شیعه که نمود آن را در انقلاب اسلامی ایران قابل مشاهده است به گفته بسیاری از پژوهشگران سبب الگوگیری سایر شیعیان منطقه از آن شده است، که سبب شده کشورهای غربی و معاند نظام جمهوری اسلامی ایران با انزوا قرارداد شیعیان با اطلاق عناوینی مانند تروریسم و بنیادگرا به نهضت‌های اسلامی به‌ویژه جنبش‌های شیعی منطقه افکار عمومی را برد آنان تحریک سازند. اما برخلاف رویکرد خصمانه غرب و برخی دول عربی منطقه قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه روزبه‌روز درحالی که افزایش است و موازنه قدرت را به سود انقلاب اسلامی ایران همراه کرده است که این امر نیز بر خود آنان ثابت شده است که نمونه‌ی شکست سیاست‌های آن‌ها را می‌توان در مبارزه با طالبان، داعش در منطقه مشاهده کرد؛ به‌گونه‌ای که ائتلاف بین‌المللی غرب علیه داعش در منطقه با شکست مواجه شد اما حضور ایران و همکاری آن با دولت‌های موردحمله قرارگرفته با پیروزی و موفقیت‌های بسیاری همراه بوده است که همه این موارد به برکت انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که توانسته جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک قدرت بلامنازع منطقه‌ای و تاثیر گذار در عرصه جهانی به منصفه ظهور و حضور برساند.

منابع

- ۱) امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ص)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۲.
 - ۲) انوشه، ابراهیم (۱۳۸۸). «جنگ سی‌وسه روزه لبنان و بازیگران آن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال اول، شماره اول.
 - ۳) آیتی، علیرضا (۱۳۸۲). «بررسی روابط ایران و عراق جدید»، رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۷۲۰.
 - ۴) توال، فرانسوا (۱۳۸۲). ژئوپلتیک، ترجمه کتایون باصر، تهران: ویستار.
 - ۵) حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
 - ۶) رحمانی واسوکلایی، محسن (۱۳۹۳). «الگوهای رقابت راهبردی ایران و عربستان و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
 - ۷) صفحی، محمد (۱۳۸۰). ژئوپلتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی، تهران: شمس‌ا.
 - ۸) فاضل‌ینیا، نفیسه (۱۳۸۵). «ژئوپلتیک شیعه و مسئله‌ی امنیت ملی ایران»، فصلنامه تشیع‌شناسی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۳.
 - ۹) گلشنی‌علیرضا، باقری‌محسن (۱۳۹۱). «جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۱.
 - ۱۰) مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
 - ۱۱) مجموعه مقالات (کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو) (۱۹۸۴). «تشیع مقاومت و انقلاب»، بی‌جا، بی‌نا.
 - ۱۲) معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۴). صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
 - ۱۳) ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۲). «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱.
- 14) Brier, A and Calvert, P (1982). Revolution in the, Political Studies, Vol. 32, No.1, PP.11-27.

- 15) El-Hokayem, Emile (2007). 'HizballahandSyria: OutgrowingtheProxy Relationship'', The Washington Quarterly, 30(2), pp.35-52.
- 16) Hafeznia, M. R and Ahmadi, S. A. (2009). Geopolitical Representation of Impact of IslamicRevolution on Politicization Shiites of the World, Shiite Studies Quarterly, Vol. 7, No.25, PP. 73-109. (In Persian).
- 17) Nerguizian, Aram (2012). "U.S and Iranian Strategic Competition", CSIS, March, Available(2013), at:<http://csis.org/expert/aram-nerguizian>.